

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ معاصر

۱

# حیات یحیی

یحیی دولت آبادی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات

مجتبی برزآبادی فراهانی



## فهرست جلد اول

- فصل اول: ولادت و تحصیل ابتدایی ..... ۲۵
- فصل دوم: تربیت ابتدایی و مسافرت ..... ۳۳
- فصل سوم: عراق عرب و روحانیت ..... ۴۱
- فصل چهارم: تحصیلات مقدماتی ..... ۴۷
- فصل پنجم: جنگ و طاعون و مراجعت به ایران ..... ۵۵
- فصل ششم: پدرم و ظل السلطان ..... ۶۱
- فصل هفتم: ایران و قوای آن ..... ۶۷
- فصل هشتم: قوه روحانیان ..... ۷۳
- فصل نهم: یکسال و نیم در طهران و باز هم اصفهان ..... ۸۱
- فصل دهم: سه سال در اصفهان ..... ۸۹
- فصل یازدهم: قصد حجاز ..... ۹۷
- فصل دوازدهم: تنهایی در عراق عرب ..... ۱۰۳
- فصل سیزدهم: مصر و حجاز و ایران ..... ۱۱۱
- فصل چهاردهم: سیدجمال الدین ..... ۱۲۱
- فصل پانزدهم: اوضاع ملکی و احوال دولت ..... ۱۳۱

فصل چهل و یکم: شورای معارف و احوال مدارس	۳۶۱
فصل چهل و دوم: اوضاع مملکت و احوال خانواده و نفت جنوب	۳۷۵
فصل چهل و سوم: دارالفنون طهران و گزارشات	۳۸۹
فصل چهل و چهارم: خطر جدید مدارس و نظری به مدارس قدیم	۴۰۳
فصل چهل و پنجم: احوال داخلی و اوضاع خارجه	۴۱۵

فصل شانزدهم: دخانیه و فسخ آن	۱۳۷
فصل هفدهم: احوال خانواده	۱۴۳
فصل هجدهم: پایان دشمنی و تأهل	۱۵۱
فصل نوزدهم: اوضاع ملکی و احوال بیداران	۱۵۷
فصل بیستم: روحانیت و روحانیان	۱۶۵
فصل بیست و یکم: قتل ناصرالدین شاه	۱۷۳
فصل بیست و دوم: سلطنت مظفرالدین شاه	۱۸۵
فصل بیست و سوم: میرزا آقاخان کرمانی و رفیقانش	۱۹۷
فصل بیست و چهارم: اوضاع دربار و عزل امین السلطان	۲۱۱
فصل بیست و پنجم: امین الدوله و معارف عمومی	۲۱۹
فصل بیست و ششم: خیریه رشدییه و انجمن	۲۲۷
فصل بیست و هفتم: مدرسه علمیه و افتتاحیه و انجمن معارف	۲۳۵
فصل بیست و هشتم: مطبوعات و مطابع	۲۴۳
فصل بیست و نهم: عزل امین الدوله و سیر قهقرائی	۲۵۱
فصل سی ام: امین السلطان و معارف و تأسیس مدرسه شرف	۲۵۹
فصل سی و یکم: انجمن معارف و کتابخانه ملی	۲۶۹
فصل سی و دوم: انجمن معارف و خطر انحلال	۲۷۷
فصل سی و سوم: انجمن معارف و مدارس	۲۸۷
فصل سی و چهارم: مدرسه متبرکه سادات	۲۹۷
فصل سی و پنجم: مدرسه ادب و قدسیه و کمالیه و سعادت	۳۰۷
فصل سی و ششم: مدرسه سادات و طغیان فساد	۳۱۵
فصل سی و هفتم: دولتیان و مدرسه سادات و تأسیس مدرسه سیاسی	۳۲۳
فصل سی و هشتم: دفع فتنه و اوضاع معارف	۳۳۳
فصل سی و نهم: دبستان دانش و فتنه مدرسه رشدییه	۳۴۱
فصل چهلم: فتنه جدید و رایحه امید	۳۵۱

## دولت آبادی، یحیی [حاجی، میرزا]<sup>۱</sup>

حاج میرزا یحیی دولت آبادی فرزند سید هادی دولت آبادی، در روز چهارشنبه هفدهم رجب سال ۱۲۷۹ قمری، در دولت آباد اصفهان در خانواده‌ای روحانی متولد شد.

از پنج سالگی شروع به تحصیل کرد. ابتدا مدتی نزد بانوان قاری، قرآن خواندن آموخت و سپس در هفت سالگی نزد محرر پدرش ملا عباس و معلم سرخانه‌ای به نام میرزا محمد خراسانی به تحصیل پرداخت. پس از آن به مدرسه دینی صدر در اصفهان رفت و در سلک طلاب علوم دینی درآمد.

در اوایل سال ۱۲۹۰ قمری، همراه خانواده‌اش به عتبات رفت. پدرش در این سفر تا حد اجتهاد علوم دینی تحصیل کرد و خود او به تحصیل مقدمات مذهبی پرداخت. در اوایل سال ۱۲۹۴ قمری به همراه خانواده‌اش به اصفهان بازگشت. پدرش به زودی در اصفهان مرجعیت یافت و جزو روحانیون طراز اول اصفهان شد. حوزه تدریس علوم دینی دایر کرد و سید یحیی نیز در سلک شاگردان پدر درآمد. از آنجایی که پدر سید یحیی، از ملاکین بزرگ اصفهان شمرده می‌شد و در آن هنگام ظل السلطان، پسر طماع و بی‌رحم ناصرالدین شاه حاکم اصفهان و

---

۱. زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۳ ص ۲۳۲ - ۲۴۲، انتشارات الهام، تهران ۱۳۷۳



خواستار زمینهای مرغوب سید هادی بود، بین ظل السلطان و سید هادی سخت اختلاف افتاد و ظل السلطان از هیچ‌گونه ظلمی علیه سید هادی دولت‌آبادی کوتاهی نکرد. او هم به ناچار در سال ۱۲۹۷ به اتفاق خانواده‌اش به خراسان و پس از چند ماه به تهران رفت. حاج سید هادی دولت‌آبادی خیلی زود در تهران مشهور شد و حوزه درس و امامت جماعت دایر کرد.

سید هادی دولت‌آبادی در تهران نزد استاد میرزا غلامرضا خوشنویس، به یادگیری خط نستعلیق پرداخت و در این امر پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد. در سال ۱۲۹۹ خانواده دولت‌آبادی مجدداً به اصفهان بازمی‌گردند، زیرا که ظل السلطان از آنها دلجویی‌ها کرده و وعده اصلاح امور را به آنها داده بود. سید یحیی در اصفهان با میرزا آقاخان کرمانی آشنا شد و توسط وی، تمایلات آزادی‌خواهانه در او بیدار می‌شود. در سال ۱۳۰۳ قمری، به دنبال عهدشکنی ظل السلطان و فشار او بر خانواده دولت‌آبادی، او مجدداً به همراه پدرش و برادرش راهی عتبات شد. در سامرا در حوزه درس میرزای شیرازی شرکت کرد و سپس به نجف رفت و مدت یک سال و نیم در حوزه درس میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند ملّا محمد کاظم خراسانی به تحصیل فقه و اصول پرداخت. یحیی دولت‌آبادی یک بار هم در سال ۱۳۰۴ قمری به زیارت حج رفت و پس از بازگشت از این سفر به نجف رفت و در اواخر سال ۱۳۰۵ قمری به اصفهان بازگشت.

حاج میرزا یحیی در شعبان ۱۳۰۶ از اصفهان به قم و در شوال همان سال از قم به خراسان و در ربیع الاول ۱۳۰۷ به تهران رفت. این بار در تهران، به حوزه درس آیت‌الله حاج میرزا حسن آشتیانی وارد شد و در دوره تحریم تنباکو که آیت‌الله آشتیانی نقش فعالی در آن داشت، وی از شاگردان آیت‌الله بود. همچنین در تهران، در محضر درس فیلسوف مشهور میرزای جلوه شرکت کرد و فلسفه را آموخت.

دشمنیهای ظل السلطان و تعدادی از روحانیون اصفهان با پدر حاج میرزا یحیی، کم‌کم بالا گرفت و همه‌جا شایع شد که حاج سیدهادی دولت‌آبادی بابی است. با توجه به این که این سلاح بابیگری همیشه از طرف حاکمان و یا

دسته‌ای از روحانیون برای از میدان به در بردن حریفان، مورد استفاده قرار می‌گرفت و با عنایت به این که هیچ‌سندی دال بربابی بودن حاج سید هادی وجود نداشت، نمی‌توان این اتهام را جدی گرفت. ولی البته این شایعه تأثیر مهمی در روند زندگی دولت‌آبادیها برجای گذاشت. در این رابطه بد نیست به موضوعی اشاره شود که هرچند مزاح است، ولی واقعیتی را در بطن خود نهفته دارد. امین‌السلطان صدراعظم وقت که به شدت با ظل السلطان مخالف و حامی سیاسی حاج سید هادی دولت‌آبادی بود، طی یک جلسه در حضور شاه «امین‌السلطان پیشدستی [کرده] در حضور جمعی از خلوتیان در جزو خبرهای تازه که از همه جاهای مملکت به عرض می‌رساند به طور مزاح می‌گوید: در اصفهان هم املاک حاج میرزا هادی بابی شده‌اند! شاه و خلوتیان می‌خندد و اقدامات ظل السلطان بی‌اثر می‌ماند».

در اپیدمی وبای سال ۱۳۱۰ قمری، او نیز به این بیماری دچار می‌شود. بنا به گفته خودش در حالت مرگ تعهد اخلاقی می‌کند که چنانچه بهبود یافت، از زشتیها و کژیها دور شده و به خدمت ممنوع کمر بندد. دعایش مستجاب و بهبود کامل حاصل کرد. در سال ۱۳۱۱ قمری با دختر حاج میرزا محسن خان مظفرالملک ازدواج کرد و تشکیل خانواده داد.

حاج سید یحیی رفته رفته با افکار آزادیخواهی آشنا، و وارد جرگه آزادیخواهان شد. با حوزه مبارزاتی استانبول که ریاست آن را سید جمال‌الدین اسدآبادی عهده‌دار بود رابطه برقرار کرد و با میرزا آقاخان کرمانی هم که آن وقت در استانبول بود، رابطه داشت. پس از دستگیری حاج سیاح محلّاتی، میرزا عبدالله طبیب خراسانی و میرزا رضا کرمانی، موقعیت او هم به خطر افتاد و به ناچار تا حدودی در رواط و مسایل امنیتی خود تجدید نظر کرد. پس از کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضا کرمانی، در بین عوام چنین شایع شد که میرزا رضا بابی است. حاج میرزا یحیی در این رابطه شعری از زبان میرزا رضا سرود و منتشر کرد که در حقیقت تکذیب این اتهام است. مضمون آن شعر که بین مردم شهرت تام یافت، چنین است:

محب آل محمد، غلام هشت و چهار فدای مردم ایران رضای شاه شکار

## فهرست جلد دوم

- فصل اول: ریشه‌های انقلاب سیاسی ..... ۴۳۷
- فصل دوم: واقعه قند و فتنه مسجد شاه تهران ..... ۴۴۷
- فصل سوم: اقدام و خطر ..... ۴۵۹
- فصل چهارم: سکوت دولت و مطالبه ملت ..... ۴۷۱
- فصل پنجم: نقشه تازه دولتیان ..... ۴۷۹
- فصل ششم: مجلس، دربار و اختلاف کلمه رجال دولت ..... ۴۸۹
- فصل هفتم: مقدمات بلوا و عزل عین‌الدوله ..... ۵۰۱
- فصل هشتم: صدارت میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله و مقدمات تأسیس مجلس ..... ۵۱۵
- فصل نهم: مقدمات مجلس شورای ملی و مرگ شاه ..... ۵۲۳
- فصل دهم: سلطنت محمدعلی شاه ..... ۵۳۷
- فصل یازدهم: فتنه مدرسه سادات و احوال مجلس و دربار ..... ۵۴۹
- فصل دوازدهم: عزل میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله و نصب میرزا علی‌اصغرخان ..... ۵۵۷
- فصل سیزدهم: شیخ‌نوری در حضرت‌عبدالعظیم و وقایع دیگر ..... ۵۶۷
- فصل چهاردهم: وقایع بعد از قتل امین‌السلطان ..... ۵۷۹
- فصل پانزدهم: مطالبه متمم قانون اساسی و وقایع دیگر ..... ۵۸۹

- فصل شانزدهم: نقشه سعدالدوله و اختلال امور ..... ۵۹۵
- فصل هفدهم: فتنه میدان توپخانه طهران ..... ۶۰۵
- فصل هجدهم: وقایع بعد از صلح بی اساس ..... ۶۱۹
- فصل نوزدهم: مجازات اشرار و حوادث دیگر ..... ۶۲۹
- فصل بیستم: بمب اندازی برای شاه ..... ۶۳۹
- فصل بیست و یکم: احوال معارف و اوضاع حکومت ملی ..... ۶۴۷
- فصل بیست و دوم: تغییر رئیس و تبدل احوال ..... ۶۵۹
- فصل بیست و سوم: مذاکرات صلح و نتیجه معکوس ..... ۶۶۹
- فصل بیست و چهارم: تصمیم شاه و درباریان به خرابی مجلس ..... ۶۷۹
- فصل بیست و پنجم: مقدمه اجتماع در خانه عضدالملک ..... ۶۸۷
- فصل بیست و ششم: تشکیل باغشاه در مقابل مجلس ..... ۶۹۵
- فصل بیست و هفتم: گرفتاری امراء و بی حرمتی به عضدالملک ..... ۷۰۳
- فصل بیست و هشتم: مدارای مجلس و تفاوت احوال ..... ۷۱۳
- فصل بیست و نهم: طرفداری صلح و سختی احوال ..... ۷۲۱
- فصل سی ام: تدبیر و کلاء و تهدید با مدت ..... ۷۲۹
- فصل سی و یکم: تفرقه ملیون و عریضه مجلس به شاه و جواب آن ..... ۷۳۷
- فصل سی و دوم: تحصن در بهارستان و وخامت عاقبت آن ..... ۷۴۵
- فصل سی و سوم: قطع روابط و تصمیم به جنگ ..... ۷۵۳
- فصل سی و چهارم: جنگ و غارت و بدبختی ..... ۷۶۳
- فصل سی و پنجم: قتل حاج میرزا ابراهیم تبریزی و اسدالله خان جهانگیر و دیگران ..... ۷۷۱
- فصل سی و ششم: قتل ملک و جهانگیر خان و قاضی قزوینی در باغشاه ..... ۷۸۱
- فصل سی و هفتم: در ولایات بعد از خرابی مجلس ..... ۷۹۱
- فصل سی و هشتم: تأثیر خرابی مجلس در دربار باغشاه و دول همجوار ایران ..... ۸۰۱
- فصل سی و نهم: تعرضات به شاه و قتل دو آزادی خواه ..... ۸۱۱
- فصل چهلم: شرح حال نگارنده در مدت هفتاد و پنج روز ..... ۸۲۱

## فهرست جلد سوم

- فصل اول: مسافرت یا تبعید ..... ۸۴۱
- فصل دوم: تقلیس و ادسا ..... ۸۴۹
- فصل سوم: قسطنطنیه و احوال آن ..... ۸۵۷
- فصل چهارم: اقدامات نگارنده ..... ۸۶۷
- فصل پنجم: میتینگ بین‌المللی و اخبار ایران ..... ۸۷۳
- فصل ششم: مرگ پدر و حوادث ناگوار دیگر ..... ۸۸۵
- فصل هفتم: سیاست خارجی ایران در قرون اخیر ..... ۸۹۳
- فصل هشتم: اقدامات سرری و اوضاع جاری ..... ۹۰۳
- فصل نهم: انقلاب در قسطنطنیه ..... ۹۱۵
- فصل دهم: فتح ترکان جوان و خلع سلطان ..... ۹۲۳
- فصل یازدهم: اوضاع ایران پس از انقلاب عثمانی و احوال مهاجرین ..... ۹۳۱
- فصل دوازدهم: تجدید حیات انجمن سعادت ..... ۹۴۱
- فصل سیزدهم: فتح طهران و تبدیل سلطنت ..... ۹۴۹
- فصل چهاردهم: طهران یا تأسف بی‌پایان ..... ۹۶۱
- فصل پانزدهم: دولت و مجلس و اختلافات ..... ۹۷۳

- فصل شانزدهم: زندگانی هیجده ماهه ..... ۹۸۷
- فصل هفدهم: دعوت به کنگرهٔ نژادی لندن ..... ۹۹۷
- فصل هیجدهم: دومین مسافرت به اروپا ..... ۱۰۰۵
- فصل نوزدهم: کنگرهٔ نژادی ..... ۱۰۱۳
- فصل بیستم: اخبار ایران و جلسات عمومی کنگرهٔ نژادی ..... ۱۰۲۱
- فصل بیست و یکم: بقیه احوال کنگرهٔ نژادی ..... ۱۰۲۹
- فصل بیست و دوم: اقامت سوئیس و قضایای ایران ..... ۱۰۳۹
- فصل بیست و سوم: وقایع جانگداز تبریز و اقدامات در خارج ..... ۱۰۴۹
- فصل بیست و چهارم: حکومت بختیاری در ایران ..... ۱۰۶۱
- فصل بیست و پنجم: ناصرالملک در اوپان کنار دریاچهٔ لمان ..... ۱۰۶۹
- فصل بیست و ششم: بقیه مسافرت و توقف در لوزان ..... ۱۰۷۹
- فصل بیست و هفتم: روح جوان و مناسبت با جوانان ..... ۱۰۹۱
- فصل بیست و هشتم: عاقبت احوال در اروپا و مقدمهٔ دوم کنگرهٔ نژادی ..... ۱۱۰۱
- فصل بیست و نهم: احساسات من در مراجعت به ایران ..... ۱۱۰۹
- فصل سی‌ام: جنگ اروپا و تبدل احوال ..... ۱۱۱۷
- فصل سی و یکم: امیدواری و بدبختی ..... ۱۱۲۵
- فصل سی و دوم: یک سال وقت گم شده ..... ۱۱۳۱
- فصل سی و سوم: انقلاب سریع و مسافرت فوری ..... ۱۱۴۱
- فصل سی و چهارم: مسافرت و حوادث جنگی ..... ۱۱۵۱
- فصل سی و پنجم: کنت کانتیز آلمانی و گم شدن او ..... ۱۱۶۳
- فصل سی و ششم: کرمانشاهان و بدبختی ..... ۱۱۷۷
- فصل سی و هفتم: میدان‌های جنگ و بینوایی ..... ۱۱۸۹
- فصل سی و هشتم: قصر شیرین و احوال اسفبار ..... ۱۲۰۱
- فصل سی و نهم: اردوی سرگردان ..... ۱۲۱۳



## فهرست جلد چهارم

- فصل اول: ترک وطن و خاتمین بغداد..... ۱۲۳۳
- فصل دوم: راه‌حلب، قصه ارامنه، اوضاع و احوال در قسطنطنیه..... ۱۲۴۳
- فصل سوم: احوال ایران و افکار عثمانیان..... ۱۲۵۳
- فصل چهارم: بقیه شرح احوال در قسطنطنیه و اوضاع عثمانیان..... ۱۲۵۹
- فصل پنجم: سفر شمال و بهبود احوال..... ۱۲۶۹
- فصل ششم: استکهلم و مأموریت..... ۱۲۷۷
- فصل هفتم: دولت بلشویک در روسیه و بقیه احوال در سوئد و دانمارک..... ۱۲۸۵
- فصل هشتم: برلن و سفر ایران..... ۱۲۹۷
- فصل نهم: آذربایجان و قشون عثمانی..... ۱۳۰۹
- فصل دهم: طهران پس از جنگ عمومی و قوای دولت..... ۱۳۲۱
- فصل یازدهم: احوال خویش و مذاکره با شاه و دولتیان..... ۱۳۳۵
- فصل دوازدهم: سفر در اصفهان..... ۱۳۴۱
- فصل سیزدهم: یاغیان کاشان و سرانجام کار ایشان..... ۱۳۴۹
- فصل چهاردهم: قرارداد وثوق‌الدوله..... ۱۳۵۷
- فصل پانزدهم: انقلابات بعد از عقد قرارداد..... ۱۳۶۷

فصل شانزدهم: بقیه کار میرزا کوچک خان و عاقبت ریاست وثوق الدوله	۱۳۷۵
فصل هفدهم: چند ماه ریاست مشیرالدوله و جنگ با متجاسرین	۱۳۸۳
فصل هجدهم: سیاست بازی بیگانه و انحلال قزاقخانه	۱۳۹۳
فصل نوزدهم: شرح حال نگارنده و طرفداران جامعه ملل و کمیته آهن	۱۴۰۱
فصل بیستم: ریاست فتح الله خان سپهدار اعظم گیلانی و اوضاع دربار و ...	۱۴۱۳
فصل بیست و یکم: مجلس عالی دربار و برهم خوردن آن	۱۴۲۵
فصل بیست و دوم: دسیسه کاری و کشف حقیقت	۱۴۳۳
فصل بیست و سوم: معاهده روس و ایران و احوال عمومی	۱۴۴۱
فصل بیست و چهارم: امرار وقت و پریشانی احوال دولت	۱۴۴۹
فصل بیست و پنجم: اجرای سیاست مخفی و مقدمات کودتا	۱۴۵۷
فصل بیست و ششم: برافکندن دولت با حمله نظامی کودتا	۱۴۶۵
فصل بیست و هفتم: ریاست سه ماهه ضیائی و سیاست داخلی و خارجی سردار سپه	۱۴۷۹
فصل بیست و هشتم: سردار سپه و نظامیان و واقعه قتل ایمری امریکایی	۱۴۸۹
فصل بیست و نهم: دو قهرمان لشگری و کشوری	۱۵۰۵
فصل سی ام: سردار سپه و ملیون و خاتمه نفوذ روحانی نمایان	۱۵۱۷
فصل سی و یکم: قم و مرکز روحانیت روحانیان نجف و اصفهان	۱۵۲۷
فصل سی و دوم: ریاست وزرانی سردار سپه - نمایشگاه امتعه وطن ...	۱۵۳۷
فصل سی و سوم: مجلس پنجم یا دو سال میان دو محذور	۱۵۴۹
فصل سی و چهارم: مجلس مشاوره خصوصی کار خزعل خان - قهر کردن ...	۱۵۶۳
فصل سی و پنجم: مسافرت نابهنگام - اعطای ریاست کل قوا به سردار سپه ...	۱۵۷۵
فصل سی و ششم: زمزمه جمهوریت برای لغوکردن قانون اساسی	۱۵۸۵
فصل سی و هفتم: اقدامات آخرین دودمان قجر - عملیات سردار سپه ...	۱۶۰۳
فصل سی و هشتم: انقراض سلطنت قاجاریه و پادشاهی رضاشاه پهلوی	۱۶۱۷
فصل سی و نهم: باقی عمر مجلس پنجم و شرح حال نگارنده و رفیقان	۱۶۳۵
فصل چهلم: عاقبت کار نگارنده در ایران و توقف در اروپا	۱۶۴۹

فصل چهل و یکم: احوال عمومی ایران و حوادث عمده آن در این چندسال	۱۶۵۹
فصل چهل و دوم: خاتمه جلد چهارم	۱۶۷۷
پایان حیات	۱۶۸۳
هوالحی الذی لایموت	۱۶۸۷